

دوستی که «تا» ندارد

درس دوم: وفادار در غم و شادی





۱- به نظر شما یک دوست خوب و واقعی در چه شرایطی باید در کنار شما باشد؟

۲- (با توجه به جواب سوال اول) آیا شما دوست واقعی دارید؟ و یا برای کسی دوست واقعی بوده اید؟

۳- به نظر شما بودن در شرایط سخت و دشوار در کنار دوستان راحتتر است یا شرایط خوشحالی و شادی؟ چرا؟



با توجه به تعریف وفاداری :

- آیا تابحال از دوستان خود بی وفایی دیده اید؟ بطور مختصر احساس خودتان را در آن شرایط توضیح دهید؟
- آیا تا بحال شده نسبت به دوستانتان بی وفایی کنید؟ به نظر شما دلیل این که نتوانستید در کنار او وفادار باشید چه چیزی هست؟

خیلی وقتها در روابطمان از بی وفایی ها رنج میکشیم و ضربه میخوریم. غافل از اینکه خودمان هم گاهی بی وفایی میکنیم و به دیگران ضربه میزنیم. حتی گاهی در رابطه مان با خدا بی وفا می شویم و نتیجه این بی وفایی درد و زحمت برای خودمان می گردد. این به این دلیل است که ما انسان ها در دنیای سقوط کرده زندگی میکنیم.

اما در مزمور ۱۱۷ آیه ۲ کلام خدا اینطور میفرماید :

زیرا که عظیم است محبت او به ما، و جاودانه است وفاداری خداوند.

پس خدای ما خدای وفاداری هست که این وفاداری او وابسته به شرایط نیست و جاودانه میباشد.

سوال: پس آیا فقط باید وفاداری را در خداوند پیدا کنیم و قید یک رابطه دوستی وفادارانه را بزنیم؟

جواب: مسلماً جواب منفی هست. کتاب مقدس در مورد دوستی های وفادارانه مثال ها و الگوهای بسیاری برای ما آورده است که در این جلسه یکی از آنها را بررسی میکنیم تا از این رابطه ی دوستی وفادارانه الگو بگیریم.

“

زیرا که عظیم است محبت او به ما
و جاودانه است وفاداری خداوند.

”

مزمور ۱۱۷ آیه ۲

آیه کلیدی
برای حفظ کردن





قدم عملی

- از نوجوانان بخواهید که اگر علاقه دارند مانند یوناتان و داوود دوستی همراه با وفاداری در غم و شادی را تجربه کنند، قدمهای عملی را انجام بدهند.
۱. هر روز برای وجود دوستانشان شکرگزاری کنید و به نام برای آنها و برای رابطه دوستی که با آنها دارید دعا کنید.
۲. با نگاه کردن به وفاداری که خدا نسبت به ما دارد، شما نیز در سختی ها در کنار دوستان وفادارانه بایستید.
۳. در طی هفته آینده با دوستان تماس بگیرید و به او بگویید که به طور خاص برای رابطه خودتان با او دعا کردید و تصمیم گرفته اید مانند یوناتان دوستی وفادار در غم و شادی برای او باشید. سپس میتوانید با هم برای آغاز فصلی جدید در دوستیتان دعا کنید.
۴. کتاب روت باب اول آیات ۱ تا ۱۸ را مطالعه کنید و با تعمق بر روی متن، رابطه ای بین تعلیمی که امروز گرفته اید با متن ذکر شده پیدا کنید و به طور مختصر در مورد آن توضیح دهید و حتما برای جلسه آینده با خود به همراه داشته باشید.



ایلا

داستان دو کاج - روایت اول

راوی:

در کنار خطوط سیم پیام، خارج از ده دو کاج روئیدند.
سالیان دراز رهگذران، آن دو را چون دو دوست می‌دیدند.
روزی از روزهای پائیزی، زیر رگبار و تازیانۀ باد،
یکی از کاجها به خود لرزید، خم شد و روی دیگری افتاد.
گفت:

کاج اول:

ای آشنا ببخش مرا،
خوب در حال من تأمل کن.
ریشه‌هایم ز خاک بیرون است،
چند روزی مرا تحمل کن.

راوی :

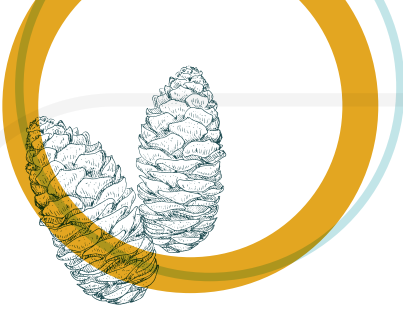
کاج همسایه گفت با تندی:

کاج دوم:

مردم آزار، از تو بیزارم.
دور شو، دست از سرم بردار.
من کجا طاقت تو را دارم؟

راوی:

بینوا را سپس تکانی داد،
یار بی رحم و بی محبت او.
سیم‌ها پاره گشت و کاج افتاد،
بر زمین نقش بست قامت او.
مرکز ارتباط، دید آن روز، انتقال پیام، ممکن نیست.
گشت عازم، گروه پی جویی، تا ببیند که عیب کار از چیست.
سیمبانان پس از مرمت سیم، راه تکرار بر خطر بستند.
یعنی آن کاج سنگ دل را نیز،
با تبر، تکه تکه، بشکستند.



داستان دو کاج - روایت دوم

راوی :

در کنار خطوط سیم پیام، خارج از ده دو کاج روئیدن
سالیان دراز رهگذران، آن دو را چون دو دوست می‌دیدند
روزی از روزهای پائیزی، زیر رگبار و تازیانه باد
یکی از کاجها به خود لرزید، خم شد و روی دیگری افتاد
گفت:

کاج اول :

ای آشنا ببخش مرا ،خوب در حال من تأمل کن.
ریشه‌هایم ز خاک بیرون است، چند روزی مرا تحمل کن.

راوی:

کاج همسایه گفت با نرمی:

کاج دوم:

دوستی را نمی برم از یاد،
شاید این اتفاق هم روزی،
ناگهان از برای من افتاد.

راوی:

مهربانی بگوش باد رسید،
باد آرام شد، ملایم شد،
کاج آسیب دیده ی ما هم،
کم کمک پا گرفت و سالم شد.
میوه ی کاج ها فرو می ریخت،
دانه ها ریشه می زدند آسان،
ابر، باران رساند و چندی بعد،
ده ما نام یافت کاجستان ...



یادداشت